

مراکز تحقیقاتی حوزه علمی قم و چگونگی هماهنگی آن

مصطفی درایتی

«قسمت دوم»

نقد و بررسی راه حل‌ها

در این چندساله و به دنبال بروز بعضی از معضلات، طرح‌هایی مطرح گردیده و در باره آنها سخنانی شنیده می‌شود. مناسب است برخی از آنها را مطرح کنیم و درباره آنها تحلیل مختصری داشته باشیم. سرانجام بررسی خواهیم کرد که چه راهی مناسبتر و مفیدتر به نظر می‌رسد.

ارائه راه حل، همواره نسبی است و نمی‌تواند بی‌نقص و جامع باشد؛ ولی اگر تمامی محققان و متولیان مراکز تحقیقی حوزه برای هماهنگی بیندیشند و حاصل آن را عرضه کنند و نظر دیگران را به نقادی و تحلیل بگیرند و بر آنچه به اندیشه آنان وارد می‌شود خوب فکر کنند، حتماً پس از چندی بهترین راه حل به دست خواهد آمد و گشایشی فراهم خواهد شد و هر نظر و اندیشه‌ای که بتواند قسمتی از مشکلات را بکاهد، غنیمت و خدمتی به جامعه تحقیقی حوزه خواهد بود.

در این نوشتار اگر بر طرح و یا نظری خرده می‌گیریم، از باب تکمیل است، نه خدای ناخواسته تقبیح. ممکن است برخی از این نظریات از افراد والامقام و ارجمندی باشد که سخت مورد احترام نویسنده‌اند. ولی ما در ابتدای راهیم و ممکن است رأی و اندیشه کوچکتري نیز در برخی از امور مفید افتد. «لاستصغرن عندک الرأی الخطیر اذا اتاک به الرجل الحقیق».

روش و طرحی که جهت بهبود و بهسازی سیستمی ارائه می‌شود باید با توجه به واقعیات و زمینه‌های تحقق آن باشد. یعنی ابتدا باید وضع موجود را به دقت تمام تحلیل و بررسی کرد. اصول حاکم بر سیستم موجود را باز شناخت، روحیات و ذهنیتها را مطالعه کرد، آنگاه نواقص وضعها را به دقت تمام سرشماری نمود و نقاط قوت و شایسته آن را نیز با تیزبینی تمام باز شناخت. سپس ضمن حفظ نقاط قوت و زمینه‌های پذیرش و واقعیات و توجیه کامل، طرحی را جهت برخی تغییرات ضروری و ارائه داد. در غیر این صورت سر بی‌صاحب تراشیدن است.

ما امروز در حوزه و جامعه علمی خود وارث سنتهای چندصدساله هستیم که برخی از آنها چون اصولی لایتغیر به کرات تجربه شده و کارآیی خود را آزموده‌است. این حوزه عظیم و کهن، تاریخ علمی پرفراز و نشیبی را داشته است که آثار به جای مانده، نشان از تحرک، پویایی و تکامل آن دارد.

حوزویان از جهت روحی به اصول و سنتهایی عادت کرده‌اند که در افکار آنها پابرجاست، و بدون آنکه از تمامی آنها دفاع کنیم، نمی‌توان بدون توجه با آنها برخوردی غیر منطقی کرد. هرگونه طرح و یا تغییری که آینده مبهم داشته باشد و احتمال تعارض و از کف رفتن سنتهای گذشته در آن وجود داشته باشد، به طور حتم با عکس العمل منفی و عدم همکاری جامعه علمی

۱- تک مدیریتی

برخی براین اعتقادند که برای رفع نواقص و مشکلات، باید مدیریتی یکسان و متمرکز براین مراکز حاکم می‌شود و چنین تحلیل می‌کنند: که تنوع و تعدد مراکز باعث تحلیل امکانات و دخالت سلايق گوناگون شخصی است و هنگامی که هرکس قادر باشد مرکزی را تأسیس نماید و مانعی را در پیش روی نداشته باشد، طبیعی است که پس از چندی در مؤسسه خود مطلق گشته و پاسخگوی کسی نیست. رفع این مشکلات تعارف بردار نیست. باید تمامی این مؤسسات تحت مدیریت واحدی قرارگیرند و کلیه امکانات در یکجا گردآید، آنگاه خودبخود بسیاری از ناهماهنگیها حل خواهد شد، این طرح می‌تواند آثار و نتایج زیر را به همراه داشته باشد.

۱ - تمرکز امکانات، توانایی بیشتری را فراهم خواهد آورد.

۲ - دوباره کاریها را به حداقل تنزل خواهد داد.

۳ - می‌توان مؤسسات مشابه را درهم ادغام کرد.

۴ - برای سازماندهی آنها می‌توان برنامه ریزی مناسب نمود.

۵ - مهمتر آن که فعالیت‌های پژوهشی در حوزه، متولی خواهد یافت که در جبران کاستیها می‌تواند مؤثر باشد. و شاید چند اثر دیگر ...

این طرح وام گرفته از حال و هوای تمرکزگرایی در مسائل اجرایی کشور است. ممکن است برخی نتایج با تحقق مدیریت واحد به دست آید، ولی مسائل و مشکلاتی وجود دارد که قابل تأمل و بررسی است.

تمرکزگرایی ممکن است در برخی از مسائل اجرایی قابل دفاع باشد، ولی در مدیریت مسائل علمی و پژوهشی هیچگاه روش مؤثر و کارآمدی نخواهد بود. اولین ضرر آن، کندی و عدم دلسوزی در کار و عدم

حوزویان روبرو خواهد شد. این عکس العمل طبیعی است و غیرمنطقی نیز نخواهد بود.

از طرفی مطلق اندیشی نسبت به گذشته و عدم تفکر در بازیابی راه جدید جهت بالابردن سطح تواناییها و همسان سازی آن با وظایف نو، با پویایی و جلوداری حوزویان منافات دارد. باید تجربیات گذشته را با استفاده از روشهای جدید در قالبهای نو و کارآمدتری «فظ نمود تا بتوان در تکامل آن، طرحهای مطمئن و مفید جدید» را فرا روی نسلهای دیگر حوزویان قرار داد. دگم اندیشی نسبت به گذشته و یا پیروی از اصل موهوم و ضد تکاملی «نظم ما در بی نظمی» است، آفتی است که باعث رکود و نابسامانی جامعه علمی ما خواهد شد.

بسیاری از روشها در زمان خود، مترقی و کارآمد بوده‌اند که ممکن است با وضعیت امروز توان تحرک لازم را نداشته باشند. صرف مقبولیت و توانایی آن در عصرهای گذشته، دلیلی بر وحی منزل بودن آن نیست. نه این که بگویم همه چیز را بدون مطالعه باید دور ریخت و بنایی دیگر ساخت، خیر و ابدأ... بلکه ضرورت بررسی مداوم در روشهای گذشته را یادآور می‌شویم. همه باید در این فکر باشند که ممکن است روش دیگری وجود داشته باشد که با به کارگیری آن بتوان از سرمایه های علمی و توان بالقوه و بالفعل حوزه بهره بیشتری برده شود و این رسالت بهتر و شایسته تر به انجام رسد؛ مخصوصاً امروز که حوزه در مقابل خود، کوهی از وظایف سخت و نگران کننده را دارد و بسیاری از کاستیها چون روز خود را نشان می‌دهد.

اکنون به بررسی چند طرح و برنامه می‌پردازیم که برای هماهنگی مراکز تحقیقی حوزه مطرح شده است.



مؤثر آن از بین خواهد رفت. ولی به اعتقاد نگارنده عمده ترین مشکل این طرح عدم تطابق با واقعیات است. نقص مهم دیگری که درباره این روش به ذهن می رسد، آن است که قدرت تفکر و نوگراییهای فردی را به شدت کاهش داده و تصمیمات را با تأخیر و مشکلاتی مواجه خواهد ساخت که عملاً خلاقیتها را از بین می برد. مشکلات زیر موانع عمده و نواقص کلی این طرح است که فهرستوار ذکر می کنیم:

- ۱- عدم دلسوزی در حفظ امکانات و پیشرفت کار.
 - ۲- عدم امکان جذب کلیه نیروهای محقق و فاضل و کارآمد.
 - ۳- نابودی خلاقیتهای فردی.
 - ۴- عدم امکان وقوعی آن با توجه به سلايق گوناگون.
 - ۵- کندی تصمیمات و ایجاد بوروکراسی.
 - ۶- ضرورت یابی تشکیلات اجرایی و اداری و در نتیجه بالارفتن هزینه های اداری و جانبی.
 - ۷- عدم بهره برداری از تلاشها و امکانات گوناگون. و برخی از نواقص دیگر ...
- بنابراین به نظر می رسد که این روش، راه حل مشکل هماهنگی مؤسسات نخواهد بود؛ بلکه بر آن مشکلات بیشتری خواهد افزود.

۲- هماهنگی الزامی با توسل به زور!

از جمله طرحهای ناپخته ای که گاهی بر زبان بعضی جاری می شود، آن است که باید با زور این مراکز را هماهنگ نمود و با زور برخی از مسائل ضروری را بر مؤسسات تحمیل کرد!

این طرح هم، الهام گرفته از برخی نظامیگریهایی است که در کشور در بعضی از امور لازم آزمایش شده و است.

به کارگیری این طرح در مسائل تحقیقی، یعنی نابودی علم و پژوهش. و اصولاً کسانی که این گونه

پیشرفت امور است. کار علمی، عمل فرمایشی و دستوری نیست. بسیاری از آثار علمی و محققانه حاصل ذوق و علاقه محققان و مؤلفان آن می باشد. و از آفات مدیریتهای دستوری آن است که تحرک و علاقه های فردی را به شدت کاهش خواهد داد. دیگر آن که محققان حوزوی به علت روحیات خاص، امکان همکاری عمومی و جلب و جذب آنها در یک مدیریت عملی نخواهد بود. پس از انقلاب، ما شاهد تأسیس بیش از پنجاه مرکز علمی خودجوش در حوزه هستیم که هر کدام به تناسب شرایط خاص و شکل مدیریت، تعدادی از محققان را جذب نموده و به کار مشغول می باشند و بسیاری از این فضلا به دلیل علاقه و یا رابطه عاطفی خاصی با مدیریت آن مراکز و حال و هوای حاکم بر مؤسسه، جذب آنها شده اند که مسلماً در صورت تحقق مدیریت واحد، این گونه رشد را شاهد نخواهیم بود.

مشکل دیگر آنکه بسیاری از محققان را نمی توان برای تحمل مدیریت واحد توجیه کرد. این ضایعه را نیز باید افزود که این مؤسسات به علت ارتباطات و تلاش و دلسوزی مدیران آن، امکاناتی را فراهم آورده و می آورند که با تمرکز، این دلسوزی و تلاش از بین خواهد رفت و در مجموع باعث می شود بسیاری از تحرکها و امکاناتی که امروز در مسیر تحقیق حوزویان قرار گرفته، با اجرای این طرح از بین برود.

پذیرش این طرح، زمینه رقابتهای علمی را نیز کاهش خواهد داد. در مجموع، رقابت جهت عرضه آثاری شایسته و بهتر، از محاسن تعدد مدیریتهاست و در آینده نیز چنین خواهد شد که با تمرکز، زمینه های روانی و

مالی این مؤسسات، کار هماهنگی آنها را مشکل کرده است. اگر بتوان به نحوی امکانات مالی را از یک طریق توزیع نمود، این امکان به وجود می آید که بسیاری از مشکلات فعلی را بکاهیم.

البته این طرح برای رفع قسمتی از مشکلات برخی از مؤسسات قابل طرح و دفاع است، ولی نه جامع است و نه مانع جامع نیست از این جهت که بیشتر مراکز و مؤسسات را شامل نخواهد شد. در حوزه مؤسساتی که توسط دولت و یا با کمک دولتی اداره می شوند در مقابل دیگر مؤسسات بسیار اندکند و آنچه ما از مشکلات برشمردیم، تقریباً تمامی مراکز را شامل می شود. باید طرحی را ارائه کرد که مشکل پژوهش را بگشاید، نه تنها مشکل چند مؤسسه را. اما منظور ما از اینکه این طرح مانع نیست، آن است که گره گشای بسیاری از مشکلاتی که برشمردیم نخواهد بود. به فرض این که این مؤسسات با تمرکز کمکه محدود گشتند، فقط می توان قسمتی از ناهماهنگیها را حل کرد؛ ولی مشکل نداشتن روش، عدم هدایت، عدم امکانات فنی و اطلاعاتی، عدم ارتباط با مراکز داخلی و خارجی، عدم آموزش و تجهیز محققان، عدم تجربه ... همچنان برجای خود باقی خواهند ماند و آنچه از اجرای آن حاصل خواهد شد با تلاشی که برای تحقق آن لازم است، تناسب نخواهد داشت.

البته راه حل‌های دیگری نیز به ذهن می رسد که برای عدم اطاله کلام از طرح آن می گذریم و راه حلی را که به نظر می رسد دارای جامعیت بیشتری است، ارائه می کنیم و مواردی را که توجه بیشتری را می طلبد، مشروحتر به آن خواهیم پرداخت.

همان گونه که پیشتر گفته شد، آنچه عرضه می شود هرگز کامل و بی نقص نخواهد بود. شاید فقط جهت آغاز بحث و بررسی مفید فائده باشد. مهم آن است

می اندیشند، اگر در مراکز آموزشی و پژوهشی امکان تحرک یابند، اولین تأثیری که خواهند گذاشت آن است که همه انتظارات را به ناپودی خواهند کشید. اینجا میدان کارزار نیست، میدان عقل و اندیشه است. باید محیطی ساخت که همه در آن بیندیشید، نه این که فکرها را در بند نمود. فکر را باید با فکر برتر پاسخ گفت تا رشد یابد؛ در غیر این صورت می گنجد و نابود می شود.

ارائه این طرحها از فکرهای علیلی می جوشد که هیچگاه واقعگرا نبوده اند و همه چیز را در یک کاسه ریخته و به یک جرعه می نوشند. تحقیق، محیطی آرام و مطمئن می طلبد، نه کسی به زور فکر می کند و نه از آن دست برمی دارد. تحقیق و ثمرات و نتایج محیطهای به وجود می آید و به تکامل می رسد، نه در فضای رعب و وحشت.

نمی توان با الزام و اجبار و یا تهدید، مراکز و مؤسسات شایسته را پیش برد. فقط امکان جلوگیری از برخی امور وجود دارد که اگر آن هم تحقق یابد، به معنای ناپودی ذوقها و توقف تحرکهاست. یعنی بازگشت به کم کاریهای گذشته. آنچه در پی تأسیس این مراکز نهفته است، هوس نیست، بلکه احساس وظیفه است و مشکلات را باید با توجیه و یافتن راه حل مناسب و مشورت با آنها کاست.

اصولاً تفکراتی که با روشهای الزام آور، تحکم آمیز و رعب آفرینی آمیخته است، برای هر جامعه آموزشی و علمی، مخصوصاً حوزه‌ها، ضرر آفرین و خطرناک است و ما بیش از این، حتی نیازی به تحلیل و نقد این روش نمی بینیم.

۳- بستن راههای مختلف کمک مالی و یک

راهه نمودن آنها

برخی براین اعتقادند که تعدد و تنوع راههای تأمین

که متولیان مؤسسات و صاحبانظران، ضمن نقد و تحلیل راه گشایی کرده و در مجموع برای رفع مشکل تحقیقاتی حوزه فکری بایسته و مصلحت‌آمیز بنمایند و با جمع بندی نظریات راه مناسبتری برای احیا و بهسازی ابعاد مختلف پژوهشی حوزه برگزینند و تلاش گردد با تضارب افکار، این گزینش مناسبتر و صائبتر صورت پذیرد، زیرا «من استقبل وجوه الآراء عرف مواضع الخطاء»



طرح هماهنگی مؤسسات تحقیقی حوزه

برای رفع کاستیها، هماهنگی، نظارت و هدایت مراکز پژوهشی باید روشی را اتخاذ کرد که از یک مرحله آغاز شود و به مرور به تکامل مطلوب خود برسد و با تجربه، قدم به قدم هرگونه احتمال خطا و یا روش غیرکارآمدی را بتوان اصلاح و جبران نمود؛ نه اینکه به یکباره همه چیز را درهم پیچیده و دچار اختلال نماید. بعضی از طرحهای پیش گفته بیشتر جنبه به هم ریختگی کلی داشت. ممکن است در آینده بعضی از همان روشها به علت بروز شرایط و زمینه‌ها، قابل طرح و دفاع باشد و یا ضرورت‌هایی، اکثر متولیان را قانع سازد، ولی یکباره حرکت نمودن، مضراتی را در پی خواهد داشت که اصلاحات مورد نظر را تحت الشعاع قرار خواهد داد.

اصول حاکم بر طرح

ما در ارائه این طرح اصولی را مدنظر داشته ایم و تلاش کرده‌ایم که به نحوی آنها را در ساختار جدید مورد توجه قرار دهیم.

۱- واقعیات موجود

تلقیات ذهنی و ایده‌آلی نگریستن و فکرکردن، مشکلی را مرتفع نخواهد کرد. آنچه امروز در جامعه پژوهشی حوزویان وجود دارد، تعدادی محقق و مراکز علمی است که هر کدام همراه با مشکلات عدیده خود با شوق و علاقه خاصی به تحقیق مشغولند.

نمی‌توان این تلاشها را یکسره نادیده گرفت و این شوق را معدوم کرد؛ بلکه باید ارج نهاد و همواره مشوق بود و در نظر داشت زمانی که در حوزه کمتر ارزشی به تحقیق داده می‌شد، صاحب‌همتانی کمر همت بسته و با کمترین امکانات رنجا برده و مجموعه‌ای را فراهم آورده‌اند. بنابراین طرح هماهنگی باید به گونه‌ای باشد که این واقعیت را به خوبی لمس کرده و بر ارزش آن تأکید ورزد.

۲- حفظ استقلال معقول مراکز

براین اصل نیز معتقدیم که مراکز پژوهشی باید مستقل باشند، ولی استقلالی که عقلایی باشد. و استقلال به معنای عدم ارتباط نیست. آنچه در مسیر گسترش و تعدد این مراکز ایجاد مشکل کرده، استقلال آنها نیست؛ بلکه عدم ارتباط و اطلاع آنها از یکدیگر است و می‌توان این ضعف را بدون آنکه این نقطه قوت از بین برود، جبران کرد. باید ابرو را درست کرد نه اینکه چشم را هم کور نمود، آن گونه که در نقد طرح تک مدیریتی گفته شد، لازمه رفع کاستیها و نواقص، تزلزل مدیریتهای فعلی و یا سلب استقلال آنها نیست. گذشته از آن که اداره فرمایشی را هم نیز حلال مشکلات جامعه پژوهشی حوزه ندانستیم. ما در این طرح بر حفظ استقلال مراکز تأکید داشته و با قید معقول در تلاش بوده‌ایم که این استقلال را از آفات احتمالی آن برهانیم و مراد از استقلال، به معنای کامل آن است.

۳- عدم ایجاد مضیقه و محدودیت مضر

اصل دیگری که در این طرح مدنظر داشتیم، آن است که نباید سیاست این تشکیلات بر ایجاد محدودیت و مضیقه برای مراکز باشد. نباید به مراکز گفت که چنین و چنان باید کرد. نباید میدان را از مؤسسه ای گرفت و یا او را با موانعی روبرو کرد؛ بلکه باید چنان بسترکار را گسترانید و به گونه ای زمینه ها را فراهم آورد که میدان تفکر بیشتر و فعالیت افزونتر را میسر ساخت.

۴- کاستن مشکلات موجود و آینده

اصل دیگری که بر آن تأکید داریم، آن است که طرح باید حداکثر توانایی را در کاستن مشکلاتی که برشمریم داشته و دارای پتانسیلی قوی باشد. زیرا منظور از ارائه طرح همین است و معتقدیم که این طرح می تواند بسیاری از ناهنجاریها و کاستیها را در آینده جبران نماید.

۵- تقویت و تعمیق مسائل پژوهشی

غیر از اینکه امروزه مراکز تحقیقی حوزوی دچار مشکلاتی هستند، در ارائه طرح باید تقویت و گسترش موضوعات مراکز پژوهشی مدنظر بوده و توانایی اجرای آنها را داشته باشد. زیرا بسیاری از مسائل هنوز به دست تحقیق سپرده نشده است. بسیاری از زمینه ها هنوز خالی است و مورد مذاقه علمی قرار نگرفته است. بنابراین باید در طرح، تقویت و گسترش دامنه تحقیقات حوزوی مدنظر بوده و برآن تأکید گردد. اینها اصولی است که نگارنده برآن تأکید داشته و تلاش کرده است در ارائه طرح مورد توجه قرار دهد.

توجیه ذهنیها

در نقد و تحلیل روشهای دیگر بر این نکته تأکید کردیم که ایجاد نظام تک مدیریتی و فرمایشی قابل قبول و راه گشا نیست. ولی یک مشکل اساسی بر سر راه است و آن اینکه به هر صورت فرد یا افرادی برای رفع مشکلات باید در تکاپو و تلاش باشند.

بسیاری از کاستیها که برشمریم، حاکم بر تمام مؤسسات است. رفع و جبران آنها، پشتیبانی مالی قوی و دلسوزی عامتری را می طلبد و نمی توان گفت که هرکس مشکل خود را خود مرتفع نماید. زیرا این هم غیر عقلایی و هم غیرممکن است، باید جایی و افرادی این مشکلات را به دقت بررسی و تحلیل نمایند و در جهت ایجاد مقدمات و رفع آنها با مساعدت و همکاری تمامی مؤسسات بیندیشند.

مضحک است که در یک حوزه با این گستردگی و با این سطح وظایف و حوزه کاری نامحدود، مرکزی متولی هدایت و پشتیبانی و هماهنگی آنها را برعهده نداشته باشد و به صورت متشتت و پراکنده فعالیت نمایند. به هر صورت باید به تشکیلات و مدیریتی تن در داد و آن را به گونه ای سازماندهی کرد که حداقل ضایعات احتمالی را دربرداشته باشد.

دیگر آنکه وجود تشکیلات برای بهره گیری از امکانات و جلوگیری از ضایعات و اتلاف نیرو و استعدادها، امری عقلایی و غیرقابل رد است. امروزه بحث از عدم تشکیلات مانند سخن گفتن از عدم استفاده از تکنولوژی است. مهم آن است که در طراحی آن چه هدف و منظوری تعقیب می گردد و چه وظایفی بر عهده آن نهاده می شود. آیا منظور از تشکیلات تحقیقی، تعطیل کردن مراکز و یا ایجاد مضیقه برای آنهاست یا برداشتن موانعی که قدرت و توانایی بیشتری را از مؤسسات فعلی را می طلبد؟ یک وقت منظور از ایجاد تشکیلات





طرح پیشنهادی

در این طرح دو سیستم مورد نظر است:

۱- سیستمی که در آن نظام و سازمان حوزه مشخص باشد و تحقیقات به عنوان بخشی از فعالیتهای آن محسوب گردد.

۲- سیستمی که همانند وضعیت فعلی سازمان حوزه به وجود آید.

این طرح در هر دو صورت قابل عمل است و مجاری اجرا و پشتیبانی لازم را برای ایجاد و تداوم در خود خواهد داشت و نیازی نیست که برای تحقق آن به انتظار تحول در سیستم تشکیلاتی حوزه بود، بلکه می توان مقدمات و زمینه های لازم را فراهم آورد و در صورت تحقق نظامی جدید به آن پیوست؛ بدون آنکه در مجموعه فعالیت آن نقصانی ایجاد گردد.

ابتدا باید وظایفی را که منحصرأ از این تشکیلات متوقع است برشمرد و براساس آن، سازمان متناسب با روش خاص اجرایی آن را پیش بینی کرد.

هدف:

شاید بتوان هدف کلی از تشکیلات تحقیقاتی حوزه را در عبارات نه چندان جامع و مانع زیر پیش بینی کرد: ایجاد زمینه های علمی و پژوهشی حوزویان و پشتیبانی علمی، فنی، اطلاعاتی و حقوقی آنان، هدایت و رفع موانع برای گسترش و باروری بیشتر پژوهش و تألیف در حوزه های علمی و هماهنگی میان آنها.

وظایف:

براساس این هدف، وظایف زیر را می توان به عنوان اصلی ترین مسؤولیت این تشکیلات برشمرد:

جدید آن است که خود متکفل کار علمی و تحقیقاتی موجود شود که این کار غیر عقلایی و این تشکیلات غیر لازم است. یک وقت تأسیس این تشکیلات به این منظور است که درجهت هرچه بارورتر کردن این مؤسسات و هدایت و پشتیبانیهای گوناگون آنان و برداشتن موانع تلاش نماید و آنها را از انزوا و محدودیتهای خارج کند و زمینه ها و مقدمات علمی و فنی آنان را فراهم آورد. وجود تشکیلات به منظور برآوردن این نیازها برای همه قابل توجیه و مفید تلقی خواهد شد. امروز تمامی مراکز از کمبود اطلاعات علمی و پشتیبانیهای پژوهشی و روشی در مضیقه هستند. اگر تشکیلاتی متکفل رفع این نواقص شود و به راحتی و بدون انتظاری، آن را در اختیار مؤسسات قراردهد، هیچ مرکز و یا محققى با آن مخالفت نخواهد کرد.

بنابراین ما در طرح و شرح وظایف این تشکیلات، مواردی را پیش بینی نموده ایم که بیشتر به کار مطالعاتی، ارتباطی و پشتیبانیهای علمی و فنی مراکز مربوط می شود؛ نه انجام کار تحقیقی خاص. چه، این مراکز و مؤسسات هستند که باید به کار تحقیقی و ارائه اندیشه های نو بپردازند و تشکیلات تحقیقاتی حوزه، کار هماهنگی، هدایت و پشتیبانی آنها را بر عهده خواهد داشت.

براین نکته نیز تأکید داریم که باید به متولیان و مسؤولان این مراکز در تشکیلات و مدیریت عمومی نقش جدیتر داد و آنها را در تصمیم گیریها و رایزنیها به صورت جدی مشارکت داد تا احساس نشود که فرد یا افرادی بدون توجه به خواستها و مشکلات، تصمیماتی را اتخاذ می نمایند که بیشتر برای آنها مشکل آفرینی خواهد کرد. در ادامه این نوشتار طرح مورد نظر را مطرح خواهیم کرد و در خاتمه، روش اجرایی آن را که جزو طرح است ارائه خواهیم ساخت.

- ۱- مطالعه و تحقیق در نظامها و روشهای تحقیقی جدید و ارائه آن به مراکز و محققان حوزوی.
- ۲- عرضه آموزشهای لازم برای محققان و تجهیز آنان به امکانات مورد لزوم.
- ۳- ایجاد ارتباط با کلیه مراکز علمی و پژوهشی برون حوزوی، اعم از داخل و خارج کشور؛ برای انتقال تجربیات و اطلاعات آنان به مراکز و محققان حوزوی.
- ۴- مطالعه و تحقیق در اولویتها و ضرورتهای تحقیقی و ارائه آن به مراکز و محققان حوزوی.
- ۵- تلاش برای تأمین نیازمندیهای علمی و فنی مؤسسات پژوهشی حوزه.
- ۶- ایجاد سازمان صحیح «نظام اطلاع رسانی علوم اسلامی»، برای تولید، طبقه بندی و اشاعه اطلاعات اسلامی.
- ۷- تلاش در برای بازگردانی ارزش حقوقی مراکز پژوهشی و محققان حوزوی.
- ۸- تعیین ضوابط جهت حفظ حقوق مراکز پژوهشی، مؤلفان و محققان حوزوی.
- ۹- تعیین و اجرای ضوابطی جهت ثبت مراکز پژوهشی حوزه و درجه بندی علمی آنان با ایجاد ارتباط با مراکز رسمی دولتی.
- ۱۰- چاره جویی جهت گسترش تحقیق در میان حوزه های علمیه.
- ۱۱- تلاش در جهت حل مسائل و مشکلات عمومی مراکز پژوهشی و محققان حوزوی.
- ۱۲- ثبت طرحهای بزرگ پژوهشی برای جلوگیری از اتلاف نیرو و امکانات.
- ۱۳- مطالعه جهت بهره برداری از تکنولوژی جدید در تحقیقات، و هدایت و راهنمایی فنی و علمی مراکز جهت بهره برداری صحیح از آن.
- ۱۴- تلاش در جهت ایجاد فضای علمی مناسب

- برای مراکز، مؤلفان و محققان حوزوی.
 - ۱۵- جمع آوری آخرین نظریات و ایده ها در دنیای اسلام و غیر اسلام و انتقال سریع آنها به مراکز پژوهشی و محققان حوزوی.
 - ۱۶- برگزاری سمینارها، کنگره ها و کنفرانسهای داخلی و خارجی در جهت تضارب اندیشه ها و ایجاد زمینه های نوآوری.
 - ۱۷- تلاش در جهت ایجاد مراکز عمومی پژوهشی، چون تأسیس کتابخانه بزرگ حوزه و فضا و امکانات لازم جهت پژوهشگران حوزوی.
 - ۱۸- تلاش برای جذب امکانات مالی پراکنده از طرق مقتضی.
- آن گونه که در وظایف ملاحظه شد، بیشترین اهمیت این سازمان و تشکیلات در ایجاد زمینه هایی است که در باروری بیشتر مراکز پژوهشی و پژوهشگران حوزوی نقش دارد و جنبه پشتیبانی و شکل دهی آنان را برعهده دارد و انجام هیچکدام از آنها به تنهایی از عهده مؤسسات تحقیقی ساخته نخواهد بود. و در عین حال، هیچ تعارض و اصطکاک با وظایف فعلی و جریان امور این مؤسسات نخواهد داشت؛ بلکه وجود این تشکیلات به بسیاری از نگرانیها و کاستیها خاتمه خواهد داد و در اتقان و گسترش کار آنان کمک خواهد کرد.
- برای برداشتن قدمهای اولیه تأسیس این تشکیلات ارکان زیر پیشنهاد می شود:
- ۱- مجمع عمومی مراکز پژوهشی.
 - ۲- شورایی عالی تحقیقات حوزه.
 - ۳- مدیر اجرایی تحقیقات.



مجمع عمومی مراکز پژوهشی

این مجمع شامل تمامی مراکز و مؤسسات پژوهشی حوزه خواهد بود که دارای تشکیلات و فعالیتی در گذشته بوده‌اند و پس از تصویب آیین نامه ثبت مراکز، رؤسای مراکزی که اساسنامه و امکانات آنان طبق آیین نامه مربوطه به ثبت برسد، عضو رسمی این مجمع خواهند بود و تعداد آن نامحدود است.

وظایف مجمع عمومی:

۱- تعیین اعضای شورای عالی تحقیقات.
۲- تهیه و تصویب آیین نامه ثبت مراکز پژوهشی حوزه.

۳- تهیه و تصویب اساسنامه تحقیقات حوزوی.

۴- تعیین مدیر اجرایی تحقیقات.

۵- تغییر در مواد اساسنامه.

۶- استماع گزارش سالانه مدیر و شورایی عالی

تحقیقات و تصویب سیاستهای کلی پژوهشی.

- جلسات این مجمع هر سال یک مرتبه تشکیل

خواهد شد که در صورت تقاضای شورایی عالی تحقیقات،

جلسات فوق العاده خواهد داشت.

جلسات مجمع عمومی با حضور اکثریت (نصف +

یک) رسمی است و تصمیمات متخذه با رأی اکثریت

اعضای حاضر معتبر خواهد بود که در مجموع نباید از

یک سوم کل اعضا کمتر باشد.

مجمع عمومی در اولین جلسه خود یک نفر رئیس،

دو نفر نائب رئیس و دو نفر منشی را برای اداره

جلسات مجمع با رأی مخفی و برای مدت دو سال

انتخاب خواهد کرد که در اولین جلسه ریاست آن با

مسئولترین فرد حاضر و یک نفر منشی از میان جوانترین

اعضا خواهد بود و تا انتخاب اعضای هیئت رئیسه، اداره

جلسه را به عهده خواهند داشت.

شورای عالی تحقیقات

این شوری مرکب از حداقل هفت و حداکثر پانزده نفر است که از میان مسؤولین مراکز علمی و پژوهشی و یا شخصیت‌های حوزه و یا غیرحوزوی، توسط مجمع عمومی برای مدت سه سال انتخاب می گردند.

شورای عالی تحقیقات، پس از مجمع عمومی، بالاترین مرجع تصمیم گیری و برنامه ریزی است و که کلیه اختیارات را جهت تصویب ضوابط و آیین نامه های مورد لزوم، طبق وظایف شمرده شده، برعهده خواهد داشت؛ غیر از مواردی که در اختیار مجمع عمومی است. این شورا در مقابل مجمع عمومی، مسؤول است.

وظایف شورای عالی تحقیقات:

۱- پیشنهاد مدیر اجرایی به مجمع عمومی جهت

تصویب.

۲- تعیین و تصویب حدود اختیارات و وظایف مدیر

اجرایی.

۳- تصویب تشکیلات و پستهای سازمانی مدیریت

اجرایی.

۴- سیاستگزاری و مطالعه لازم جهت انجام وظایف

محوّله.

۵- تصویب کلیه آیین نامه ها و ضوابط؛ غیر از

آیین نامه ثبت مراکز.

۶- تلاش در جهت ایجاد امکانات لازم و پشتیبانیهای

مورد لزوم.

۷- تصویب نهایی ثبت مراکز پژوهشی حوزه.

۸- تهیه و تصویب طرحها و برنامه های مناسب

برای انجام وظایف محوّله.

۹- تهیه اساسنامه تشکیلات تحقیقاتی حوزه و

ارائه آن به مجمع عمومی برای تصویب.

۱۰- تهیه آیین نامه ثبت مراکز پژوهشی و ارائه آن

به مجمع عمومی برای تصویب.

این شورا در اولین جلسه خود یک نفر را به عنوان رئیس، یک نفر نایب رئیس و یک نفر منشی، از میان اعضا انتخاب خواهد کرد و وظایف و اختیارات آنها را تعیین خواهد نمود.

شورای عالی موظف است که در جلسات اول خود آیین نامه چگونگی اداره جلسات و تصمیمات شورای عالی را رأساً تهیه و به تصویب برساند.

جلسات شورای عالی هر پانزده روز یکمرتبه برگزار خواهد شد که در صورت اعلام رئیس شورا یا مدیر اجرایی جلسات فوق العاده خواهد داشت.

جلسات شورای عالی با حضور اکثریت دو سوم اعضا، رسمیت می یابد و تصمیمات با رأی اکثریت اعضای حاضر معتبر خواهد بود.

غیبت بدون عذر را سه جلسه متوالی در شورای عالی، به منزله استعفا از شورای عالی تلقی خواهد شد و شخص دیگری از طرف مجمع انتخاب خواهد گردید.

مدیر اجرایی

مدیر اجرایی بالاترین مقام اجرایی و رسمی تحقیقات حوزه است که طبق اختیاراتی که شورای عالی تحقیقات تعیین می نماید، فعالیت خواهد کرد.

شورای عالی تحقیقات، فردی را از میان خود و یا خارج از شورای عالی که از جهت ثبوتی و اثباتی لایق مدیریت این مجموعه تشخیص می دهد و قدرت و توانایی لازم را در انجام وظایف محوله داراست، برای مدت سه سال انتخاب و برای تصویب نهایی به مجمع عمومی معرفی خواهد کرد.

مدیر اجرایی پس از تصویب مجمع عمومی با حکم رییس شورای عالی تحقیقات، منصوب و مشغول به کار خواهد شد.

به نظر می رسد وظایف زیر حداقل وظایف و

اختیارات مدیر اجرایی خواهد بود:

۱- امضای کلیه بخشنامه ها، مکاتبات اداری و اسناد و اوراق مالی و تعهدآور، طبق ضوابط.

۲- تهیه تشکیلات و آیین نامه های لازم، برای انجام وظایف محوله و ارائه آن به شورای عالی جهت تصویب.

۳- ایجاد تشکیلات مورد لزوم، طبق مقررات.

۴- اجرای کلیه مصوبات و تصمیمات شورای عالی تحقیقات.

۵- ایجاد ارتباط با کلیه نهادها، سازمانها و ارگانهای دولتی در چهارچوب وظایف و اختیارات.

۶- نظارت کامل بر اجرای مقررات و انجام وظایف و تعهدات.

۷- هماهنگی کامل با تشکیلات حوزوی در صورت استقرار.

مدیر اجرایی پس از انتخاب، دبیر شورای عالی تحقیقات نیز خواهد بود که اگر فرد مزبور از میان اعضای شورای عالی انتخاب گردیده با حق رأی، و در غیر این صورت بدون داشتن حق رأی، در جلسات شورای عالی شرکت خواهد کرد.

مدیر اجرایی تحقیقات در قبال شورای عالی تحقیقات مسؤول و پاسخگو خواهد بود.

روش اجرایی ایجاد طرح

مشکلی که پس از ارائه طرح به ذهن می رسد، آن است که چه کسی متکفل و متولی تحقق آن خواهد بود. و به فرض اینکه طرح پذیرفته شود، چه افراد یا سازمانی عهده دار توجیه مؤسسات و فراهم آوردن مقدمات کار خواهد بود؟ آیا باید منتظر شکل گیری سازمان روحانیت بود یا اینکه راه دیگری وجود دارد که تحقق آن را امکان پذیر نماید.

نکته ای در اینجا قابل ذکر است و آن، اینکه با کمال تأسف، به علت اینکه در حوزه کار جمعی کمتر صورت پذیرفته، حوزویان کمتر به آن عادت کرده اند و هرکس کار خود را انجام می دهد. تأسف بارتر اینکه هرگاه از طرف فرد یا مرکزی تلاشی برای بهسازی صورت گرفته، آن را با اتهامهای گروه گرایی، خط بازی، به تیغ نفی بسته و آن را ابتر کرده اند، و یا از ابتدای راه، با ایجاد تفرقه و تشتت، کار هماهنگی را بی اثر ساخته اند.

این گونه حرکتها آفت بزرگ و تفکرسوز در تحقیق است و باید تمامی مراکز و محققان تلاش نمایند که این روش زشت در فضای تحقیقاتی حوزه نفوذ نکند و بر تصمیمات ما حاکم نگردد. پس باید تا دیر نشده و همه فرصتها از کف نرفته، صادقانه پا به میدان نهاد. همه را دید و چشم را بر هیچ فعالیت علمی متینی نبست و بدون توجه به جهات فکری آنها، تمامی تلاشهای علمی مراکز حوزویان را ارج نهاد و از تمامی آنها جهت حل و فصل مسائل مدد گرفت.

کسانی که خود و مراکز خود را متولی و مالک الرقاب همه می دانند، بزرگترین مانع حل مشکل حوزویان بوده و هستند. اینان مانع الخیرهایی هستند که نه خود توان و تفکر اصلاحات را داشته اند و نه به دیگران اجازه فعالیت در این میدان را داده اند. و نمی دانیم که این «بزرگتری»ها، کی تمام خواهد شد؟! هستند کسانی که تصور می کنند علم، فضل، تحقیق و... فقط برارنده و شایسته آنهاست و هرکاری در این مقولات باید با رضایت و کسب اجازه و تحت ولایت آنها صورت پذیرد و کسی در حوزه بدون نظر آنان حق آب خوردن ندارد. خدا گواه است که این تفکر برای حوزه بلا، و مصیبت است و با هیچ معیار عقلایی نیز سازگار نیست و شاید یکی از مهمترین موانعی که تا به امروز بر سر راه اصلاح بود، همین تفکر باشد. اگر به همه اجازه

داده شود که به میدان بیایند و اندیشه خود را طرح نمایند و به افکار از طریق شنیدن و نقدکردن، احترام گذارده شود، به مرور شاهد طرحهای مؤثر و مفیدی برای اصلاح امور حوزه خواهیم بود.

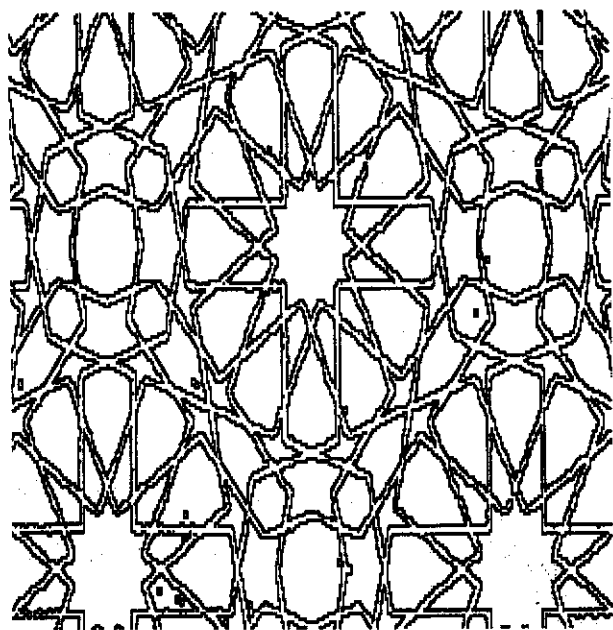
پیشنهاد می شود که جهت فراهم آوردن مقدمات این کار، پنج مرکز و مؤسسه با سابقه و صاحب نام در حوزه، بانی و مؤسس این خیر شوند و در ابتدا از کلیه مراکز و مؤسسات تحقیقی موجود در حوزه که دارای نام و مسوؤل و فعالیت نسبی هستند، برای تشکیل اولین مجمع عمومی موقت دعوت به عمل آورند. این مجمع در اولین جلسات خود اعضای موقت شورای عالی تحقیقات را برای مدت سه ماه برگزیند و این شورا در این مدت موظف شود که اساسنامه ای را جهت فعالیت این تشکیلات، و آیین نامه ای را جهت ثبت مراکز علمی حوزه، تهیه نماید. پس از تصویب اساسنامه و آیین نامه، ثبت مراکز، شورای عالی موقت موظف خواهد بود طبق این آیین نامه، بررسی و ثبت مراکز علمی را آغاز نماید و مجمع عمومی موقت منحل خواهد گردید. پس از آن مسوؤلان مراکز و مؤسسه‌هایی که طبق اساسنامه و آیین نامه در این شورا به ثبت می رسند، عضو رسمی خواهند بود و پس از آنکه حداقل پانزده مرکز به ثبت رسید، اولین مجمع عمومی رسمی تشکیل خواهد شد. این مجمع بلافاصله اعضای رسمی شورای عالی تحقیقات را از میان خود و یا از میان فضلا و محققان برجسته، برای مدت معینی که در اساسنامه آمده است، انتخاب خواهد کرد و شورای عالی موقت منحل خواهد گردید. پس از آن، تمامی فعالیتها طبق اساسنامه و آیین نامه های مربوطه، ادامه خواهد یافت.

پیشنهاد ما این است که در صورت تحقق سازمان و تشکیلات حوزه علمیه، این سبک و روش همچنان حفظ گردد. فقط شورای عالی تحقیقات و مجمع عمومی و

بر این اعتقادیم که اگر ما خود به رفع مشکل نپرداخته و تشکیلات مورد لزوم تحقیقاتی حوزه را فراهم نیاوریم، مؤسسات و مراکز ما برای کاستن مشکلات خود، کم کم به وابستگیهای برون حوزه ای تن خواهند داد و این کار، ارزش واقعی تلاش آنها را پایین خواهد آورد.

اگر این تشکیلات و یا مشابه آن، در حوزه فراهم آید، بسیاری از ارزشیابیهای علمی و پژوهشی حوزویان در همین چهارچوب و با سیاست و دست خود حوزویان قابل عمل است و نیازی نیست که با خواهش و تمنا از دیگر سازمانها - که اکثر افراد آن روش و ارزش کار علمی حوزه را کاملاً درک ننموده اند - جهت تأیید صلاحیت پژوهشی مراکز خود استمداد طلبیم. مطمئن هستیم که سازمانهای مربوطه نیز پس از گذشت چندی، تصمیمات این تشکیلات را معتبر دانسته و بهای علمی لازم را به آن خواهند داد. بنابراین، تا زمان نگذشته، مسؤولین مراکز برای تحقق آن از هر نقطه ای که ممکن باشد، همت گمارند تا در آینده شاهد رونق و عمق بیشتر پژوهشهای حوزوی باشیم. ان ذلک علی الله یسیر.

من الله التوفیق و علیه التکلان



مدیر اجرایی موظف باشند که چهارچوب کلی سیاستهای تعیین شده در مدیریت کل حوزه را در تصمیمات خود مدنظر داشته و هماهنگ حرکت نمایند و مدیر اجرایی در این طرح معاون تحقیقاتی آن تشکیلات خواهد بود؛ با این تفاوت که پس از تصویب در مجمع عمومی، فرد مزبور به مدیریت عالی حوزه معرفی خواهد شد. و اگر ما در سازمان مدیریت حوزه برای مدیریتهای بخشهای گوناگون، این گونه عمل کنیم و از اندیشه های گوناگون با پشتوانه برنامه ریزی تخصصی آنها بهره ببریم، می توان امید موفقیت داشت.

توجیه طرح

این پیشنهاد باتوجه به وظایف و شکل طراحی و اجرایی آن، نه تنها هیچ خطر و یا ضرر احتمالی را به دنبال نخواهد داشت، بلکه باعث خواهد شد در ادامه فعالیت خود، بسیاری از مشکلات را حل و بسیاری از کاستیها را جبران نماید و ناهماهنگیهای موجود را به حداقل کاهش دهد.

اگر مراکز و مؤسسات، مشارکت جدی نمایند، این تشکیلات قدرت جذب و فراهم آوردن کمکهای مادی و معنوی بسیاری را خواهد داشت و پاشدار بسیاری از ارزشهای علمی حوزه خواهد بود که امروز در این کشور هیچ جایگاه مشخصی، نه برای مراکز و نه برای محقق آن، وجود ندارد. ضمن اینکه در سازماندهی فعالیتهای پژوهشی و هدایت و باروری بیشتر آنها، نقش مؤثری را ایفا خواهد کرد؛ بدون آنکه به حاکمیتی مضر سوق داده شود. و به صورت طبیعی، در پی فعالیت رسمی خود و برنامه ریزی برای رفع کاستیهای موجود پژوهشی حوزه، از مساعدت و پشتیبانی لازم برخوردار خواهد گردید و از مشکلات عدیده ای را که در آغاز بحث برشمردیم، خواهد کاست.